



برای بهبود وضعیت تلاش کنیم. وقتی در یک پیوست فرهنگی به این نتیجه برسیم که یک پروژه نباید انجام شود، چگونه می‌توان برای اجرا نشدن یا توقف آن پروژه ضمانت اجرایی در نظر گرفت؟ نگرانی مخالفت با متوقف شدن یک پروژه باعث می‌شود که نگاه پیوست‌نگار حداقلی شود و از موضع کارشناسی خود به سطح اصلاح به جای حذف پایین بیاید، با این مشکل چه می‌توان کرد؟

اگر پیوست به این نتیجه رسید که نباید مداخله‌ای انجام شود، نمی‌توانید به سادگی جلوی مدیر را بگیرید. از طرفی تعداد پروژه‌هایی که نباید انجام شود نیز زیاد نیست. نکته مهم این است که عمده پیشنهادهایی که ارزیابی‌ها ارائه می‌دهند اصلاحی است. معضل ما این است که مدیران به آن اصلاحیه‌ها نیز توجه نمی‌کنند و پروژه‌ها را آن طوری پیش می‌برند که منافع خودشان، سازمان‌شان یا شرکت‌های خصوصی‌شان بیشتر شود. اصلاً قصد ندارم خیلی روی این تأکید کنم که پروژه‌ها باید تعطیل شود. تجربه در کانادا و آمریکا نشان می‌دهد که ارزیابی‌های تأثیر اجتماعی فقط در ۵ درصد موارد منجر به توقف کامل و صدور حکم به انجام نشدن پروژه‌ها می‌شود. در نهایت ۹۵ درصد به اصلاحات می‌انجامد؛ البته این مشروط به خوب طراحی شدن پروژه‌ها از همان ابتداست. اگر پروژه‌ای از همان ابتدا بد طراحی شده باشد ماجرایی دیگر نیست.

ضمانت‌های قانونی می‌توانند تأثیرگذار باشند، اما فقط و فقط یک چیز می‌تواند ضمانت اجرایی حقیقی باشد و آن هم نیروی جامعه است. ده‌ها سد در ایران ساخته شده است و عمده این سدها در کنار منافع و مزیت‌هایشان باعث تخریب گسترده آثار باستانی شده‌است و آثار منفی شدیدی روی محیط زیست و روستاهای اطراف گذاشت. تقریباً در همه سدهایی که در ایران ساخته شده آدم‌هایی که خانه، زندگی و کشاورزی‌شان پشت سد می‌رفت، زبان‌های گسترده‌ای دیدند ولی هرگز در مقابل این شیوه سدسازی کسی در ایران اعتراض نکرد. اما درباره "سد سیوند" به هر دلیلی اطلاع‌رسانی و مشخص شد که دره رود سیوند در کنار آثار باستانی است و برای مقبره کوروش نیز خطراتی دارد؛ مردم و طرفداران و اصحاب فرهنگ جلوی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری جمع شدند، آن داستان‌هایی که مشاهده کرده‌اید اتفاق افتاد و در پی آن جلوی آگیری سد را گرفتند. بین سد سیوند با بقیه

که عمق آن‌ها می‌تواند در اولویت‌های نظام سیاسی تأثیرگذار باشد که برای نظام مهم‌ترین پروژه‌ها کدام باشد. مثلاً پیوست فرهنگی طرح هدفمندسازی یارانه‌ها گزینه بسیار خوبی است؛ تا این که محققان بعدی ببینند که ۱۰ الگو است و این‌ها پیوست‌های خوبی است که انجام شده است. مسئله خیلی جدی است! توصیه من این است که ارزیابی تأثیر را به عنوان یک نیاز استراتژیک کشور لحاظ کنیم، کار فراتر از این است که شورای عالی انقلاب فرهنگی بخواهد برایش یک دستورالعمل تهیه کند یا این که فقط به بحث فرهنگ بپردازد. حیات پایدار

ارزیاب تأثیر فرهنگی فرق گذاشت. پیشنهاد من به مسئولانی که می‌خواهند فرایند پیوست فرهنگی را پیش ببرند این است که اولین گام داشتن انجمن علمی ارزیابی تأثیر اجتماعی یا پیوست فرهنگی است. این انجمن علمی باید نهادی غیردولتی باشد. می‌توان مجموعه افرادی که در ایران تجربه پیوست‌نگاری دارند و کار انجام داده‌اند تعیین کرد. این افراد بیایند و فرایندی را طی کنند؛ انجمن علمی پیوست‌نگاری و ارزیابی تأثیر اجتماعی و تأثیر فرهنگی را تأسیس و شروع کنند به گذاشتن معیارهایی برای ارزیاب‌ها. پیوست فرهنگی توسط افرادی انجام

مهندس مشاور است؟ سؤالاتی است که باید به آن‌ها دقت شود. بسیاری از تحقیقات اجتماعی را در ایران مهندسان مشاور انجام می‌دهند؛ مهندسان مشاور می‌گیرند تا طرحی را توجیه کنند و بگویند خوب است، پول نمی‌گیرند تا این که طرح را نقد کنند و ایرادات آن را بیان کنند. اگر قرار باشد پیوست‌نویسی با چنین وضعیتی پیش برود، سر نوشت بسیار ناخوشایندی خواهد داشت و این ابلاغیه خوب و هوشمندانه، ناکام خواهد ماند.

پیوست‌نگاری یا پیوست‌نگاران خوب را چگونه می‌توان شناخت؟ باید چه شاخصه‌هایی برایشان تعریف کرد؟ آیا این امر فقط با جامعه‌شناسی مرتبط است؟ اصحاب فرهنگ و مردم که قرار است آن را مطالعه کنند چه جایگاهی دارند؟ با این موضوع که هر کسی از ظن خودش از این فرهنگ برداشت می‌کند چه باید کرد؟

در تصحیح سخنان قبلی باید بگویم هر کس به محیط زیست علاقه دارد، می‌تواند حامی محیط زیست باشد. اما لزوماً ارزیاب تأثیرات زیست‌محیطی نیست؛ یعنی ممکن است شما به محیط زیست علاقه‌مند باشید و اکوسیستم‌ها را بسیار دوست داشته باشید، ولی اگر از شما بپرسند که ساخت اتوبان تهران. شمال چه تأثیری بر اکوسیستم مازندران می‌گذارد، اصلاً نتوانید اظهار نظر کنید، مگر آن که متخصص محیط زیست و ارزیاب تأثیر زیست‌محیطی باشید. باید بین علاقه‌مند به محیط زیست و ارزیاب تأثیر زیست‌محیطی فرق گذاشت. به همین نسبت در عرصه فرهنگ و اجتماع نیز باید بین علاقه‌مندان به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی با ارزیاب تأثیر اجتماعی و

دقیقاً آن افرادی که پیوست‌های شمارانمی‌نویسند همین ۳۰ یا ۴۰ نفر هستند. پس چه کسانی می‌نویسند؟ آن مؤسسات تحقیقاتی که می‌توانند زد و بند داشته باشند، وارد شوند و پروژه بگیرند!

آینده ما به نوعی به این بستگی دارد که چقدر انواع ارزیابی‌ها را جدی بگیریم که به نظر من در صدر همه ارزیابی‌ها، ارزیابی زیست‌محیطی است. در کمتر از ۱۰ سال آینده در ایران هر دولتی که باشد، مشکل بزرگ مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی را خواهد داشت. همین حالا هم هست ولی خیلی بارز نشده است. اگر به همین نسبت ارزیابی فرهنگی و اجتماعی را جدی بگیریم که تا حالا نگرفته‌ایم، بحران‌های اجتماعی هم یکی یکی از راه می‌رسد، البته بعضی از آن‌ها از راه رسیده؛ خط تضعیف سرمایه اجتماعی، بحران اخلاق، بحران خانواده و آسیب‌های اجتماعی که پدیده‌های خطرناکی هم هستند. البته پیوست نوشتن به معنای حل شدن مشکلات نیست؛ بلکه شناخت‌هایی به ما می‌دهد که می‌توانیم به کمک آن‌ها

شود که این انجمن علمی تأییدشان کند؛ یعنی این تأیید، مناقصه‌ای یا مشاوره‌ای و در سیستم دولتی نباشد. برای انجام دادن پروژه‌های فنی داشتن رتبه علمی لازم است، در پیوست‌نگاری نیز دقیقاً به همین سطح تخصصی نیاز است. ما به این احتیاج داریم که انجمن علمی واقعاً استقلال داشته باشد. اقدامات مداخله‌ای با هم متفاوت است؛ یک وقت پارک آبی می‌سازیم و می‌خواهیم بدانیم که پیامد فرهنگی آن چیست، یک وقت هم نظام آموزشی کشور را عوض می‌کنیم یا این که طرح هدفمندی یارانه‌ها را اجرا می‌کنیم. به نظر من اگر در سال اول ۱۰ پیوست خوب بنویسیم از حد توانمان کمی هم بیشتر است. می‌توانیم برای ۱۰ از پروژه‌های ملی خیلی خوب ۱۰ سیاست توصیه‌ای پیوست بنویسیم